



The Effectiveness of the Possible Relations of Diplomacy on the Institution of the Family Emphasizing the Drivers of Governance in the Safavid Era

Zahra Sadat Keshavarz ¹

1. Corresponding Author, Ph.D. in History of Shi'ism, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: Z.keshavarz@theo.ui.ac.ir

Article Info

Article Type:
Research Article

Article History:
Received:
21, December, 2024

In Revised Form:
8, April, 2025

Accepted:
8, November, 2025

Published Online:
4, February , 2026

Keywords: Diplomacy,
Family, Propulsion of
governance, Profession,
Trade.

Abstract

This study adopts an interdisciplinary framework—integrating historical, sociological, and demographic perspectives—to investigate transformations in the familial demographic structure during the Safavid period. Drawing on Max Weber's theoretical foundation and a comparative methodology, it develops an ideal type of familial evolution, recurrent across historical societies, to analyze the sociological causality underlying shifts in family structures. Recognizing the family's responsiveness to governance dynamics, path analysis is employed to examine mediating variables influencing these changes. The central hypothesis contends that Safavid governance mechanisms—particularly power-relations diplomacy—established preliminary conditions conducive to altering family dimensions. The study thus addresses the following research question: To what extent can changes in family structure be attributed to the foreign policy drivers of the Safavid state? Analytically, the research identifies a transitional threshold—from an extended familial model toward more complex formations—wherein diplomatic engagement potentially stimulated artisanal and commercial development, thereby facilitating a gradual shift from traditional family arrangements. Nonetheless, this transformation remained incipient throughout the Safavid era. As such, the study functions primarily as hypothesis-generating scholarship within historical sociology, proposing avenues for further inquiry. It also notes that the potential for familial change waned as diplomatic practices diverged from structured norms. Ultimately, this research aims to broaden scholarly and public understanding of how state-level foreign policy may permeate and reshape foundational social institutions such as the family.

Cite this The Author (s): Keshavarz, Z ; (2026), The Effectiveness of the Possible Relations of Diplomacy on the Institution of the Family Emphasizing the Drivers of Governance in the Safavid Era. Iranian Studies Vol. 15, No. 4, winter,(105-128). DOI: [10.22059/jis.2025.387372.1328](https://doi.org/10.22059/jis.2025.387372.1328)



Publisher: University of Tehran

https://jis.ut.ac.ir/article_101391.html



اثربخشی مناسبات احتمالی دیپلماسی بر نهاد خانواده با تأکید بر پیشران‌های حکمرانی در عصر صفویه

زهره سادات کشاورز^۱

z.keshavarz@theo.ui.ac.ir

۱. نویسنده مسئول، دکترای تخصصی گروه تاریخ تشیع، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه:

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۱/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۸/۱۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۱/۱۵

واژه‌های کلیدی: پیشران حکمرانی، پیشه‌وری، تجارت، خانواده، دیپلماسی.

این پژوهش با رویکردی بین‌رشته‌ای (تاریخی، جامعه‌شناختی و جمعیت‌شناختی) به بررسی احتمال تغییر در ساختار جمعیتی خانواده در دوران صفویه پرداخته و نظریه ماکس وبر و استراتژی قیاسی را چارچوب نظری خود قرار داده است. بر این اساس، کوشیده‌ایم با ساختن یک «تیپ آرمانی» از تحول خانواده در جمعیت‌شناسی تاریخی جوامع، چارچوبی برای طرح فرضیه‌هایی درباره علیت جامعه‌شناختی تغییر ابعاد خانواده در عصر صفویه ارائه دهیم. همچنین، با توجه به تأثیرپذیری نهاد خانواده از محرک‌های حکمرانی به عنوان متغیرهای میانجی، از روش «تحلیل مسیر» بهره گرفته‌ایم. فرضیه اصلی پژوهش این است که محرک حکمرانی صفویان - به ویژه دیپلماسی و تنظیم روابط قدرت - بسترهای اولیه و احتمالی را برای تغییر ابعاد خانواده فراهم آورده است. پرسش متناظر با این فرضیه نیز چنین است: آیا می‌توان تغییر ابعاد خانواده را بر اساس محرک‌های حکمرانی در حوزه سیاست خارجی صفوی محتمل دانست؟ دیدگاه تحلیلی این پژوهش، حکایت از وضعیت «آستانه‌ای» تغییر در ابعاد خانواده - از شکل گسترده به فراغ سترده - در دوران صفویه دارد. بدین ترتیب که احتمالاً دیپلماسی صفوی در تنظیم روابط قدرت، بر توسعه پیشه‌وری اثر گذاشته و متعاقباً توسعه پیشه‌وری و تجارت، بر گذار احتمالی از خانواده گسترده تأثیرگذار بوده است. البته این تغییر در دوره صفویه وضعیتی کاملاً مقدماتی و آغازین داشته و صرفاً در حد یک پژوهش فرضیه ساز در قلمرو تاریخ تحلیلی قابل طرح است. همچنین با دور شدن این دیپلماسی از شرایط استاندارد احتمال وقوع چنین تغییری کمرنگ‌تر شده است. در مجموع، استراتژی کلان این پژوهش، ارتقای توجه عمومی به دامنه تأثیرگذاری سیاست خارجی یک کشور است - تا آنجا که حتی می‌تواند بر اجتماعی‌ترین نهاد، یعنی نهاد خانواده، اثر بگذارد.

استناد: کشاورز، زهره سادات؛ (۱۴۰۴). اثربخشی مناسبات احتمالی دیپلماسی بر نهاد خانواده با تأکید بر پیشران‌های حکمرانی در عصر صفویه، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۱۵، شماره ۴، زمستان. (۱۰۵-۱۲۸).

DOI: 10.22059/jis.2025.387372.1328



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

https://jis.ut.ac.ir/article_101391.html

۱. مقدمه

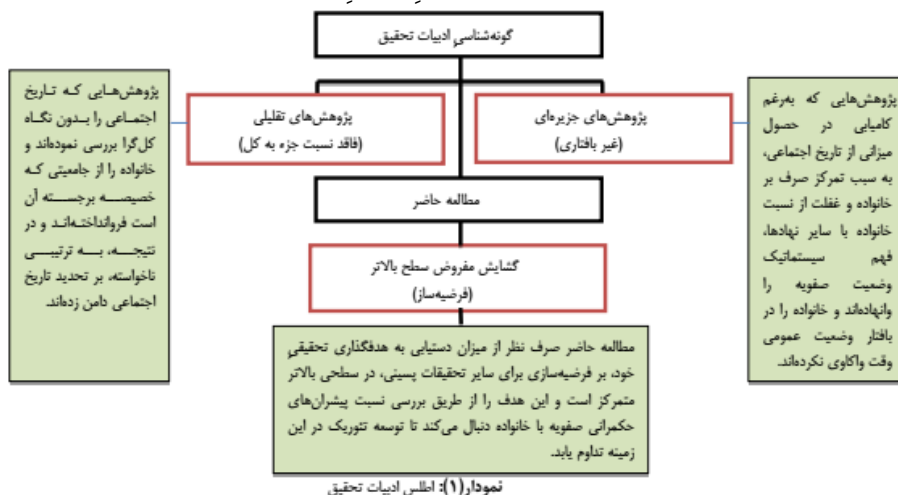
تاریخ اجتماعی همواره از جمله زوایای مستور سرگذشت ابناء بشر تا عصر مدرن بوده است و تنها از پی مدرنیته و تحول در نوع تاریخ‌نگری، تاریخ اجتماعی مورد توجه تاریخ‌نگارانه قرار گرفته است. هرچند در وضعیت پیشامدرن، اهتمام عمده مورخان و سیاحان و دیگر ثبت‌کنندگان تاریخ، متمرکز و محدود به وقایع مربوط به حکومت‌ها بوده است. از این‌رو، واکاوی در تاریخ یک کشور پیوسته با چالشی چون کم‌شمار بودن مستندات مربوط به جامعه روبه‌رو بوده است.

پژوهش حاضر درصدد است که میزانی از فهم وضعیت خانواده را از طریق روشی نسبتاً خود ساخته به دست آورد و آن، رویکردی دو وجهی، میان تاریخ اجتماعی و تاریخ سلطانی است. در چنین رویکردی، سویه‌ای از یک قطبیت، از طریق سویه دیگر آن قطبیت، به سخن در خواهد آمد. اگر تاریخ اجتماعی و تاریخ سلطانی به صورت دو قطبی تاریخ اجتماعی/تاریخ سلطانی، در نظر گرفته شود، چه‌بسا بتوان داده‌هایی از یک سویه را در خدمت استخراج داده‌های سویه دیگر به کار گرفت. برای دستیابی به چنین هدفی، تهمید مورد نظر می‌تواند توجه به رابطه میان پیشران حکمرانی دیپلماسی مناسبات قدرت و مختصات نهاد خانواده باشد. به عبارتی در این پژوهش، پیشران حکمرانی به‌عنوان شکل انضمامی تاریخ سلطانی در نظر گرفته شده است تا در ادامه، فرض تأثیر این پیشران بر خانواده مطرح شود. در حقیقت، تاریخ سلطانی به منزله بازتاب-دهنده پیشران حکمرانی، در نظر گرفته شده‌اند و نهاد خانواده، به‌عنوان یکی از اشکال تبلور یافته تاریخ اجتماعی در نظر گرفته شده است.

در تناظر با همین رویکرد، تلاش شده است که نظریه جامعه‌شناختی ماکس وبر به کار گرفته شود. یافته‌های مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی حاکی از وجود الگویی نسبتاً مشابه میان اغلب جوامع است که وبر آن را سنخ عام (تیپ ایدئال) نامیده است. بر اساس این الگوی نسبتاً مشترک در تاریخ عمومی بشر که توسط مردم‌شناسان کشف گردیده است، تغییر خانواده از گسترده به غیر گسترده، عموماً متأثر از تغییر نوع معیشت، از کشاورزی و دامداری، به صنعتی و کارگاهی بوده است؛ بنابراین می‌توان بر پایه یافته‌های مردم‌شناختی و به اتکا نظریه وبر، این احتمال را مطرح نمود که وجود پیشران‌های تغییر معیشت در عصر صفویه، محتملاً بر تغییر ساختار خانواده از گسترده به غیر گسترده مؤثر بوده است. به عبارتی از آنجایی که تغییر معیشت از زراعی به پیشه-وری پدیده‌ای محقق در عصر صفویه بوده است بنابراین به هر میزان که بتوان توسعه اصناف، کار کارگاهی و تجارت در عصر صفوی را از ناحیه پیشران دیپلماسی وقت تأیید کرد، به همان میزان نیز می‌توان احتمال تغییر نسبی خانواده از کشاورزی (گسترده) به صنعتی (هسته‌ای) را با اطمینان مطرح نمود.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر از طریق روش بازخوانی نظام‌مند^۱ (کشاوری و طاهری، ۱۴۰۴: ۳۲)، موقعیت خود را مشخص خواهد نمود؛ زیرا «یک روش کارآمد برای تحقق این موضوع، ترسیم اطلس ادبیات تحقیق است» (کرسول، ۱۳۹۱: ۸۴) و «این نوع از بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که مطالعه حاضر به چه ترتیبی به تحقیقات قبلی چیزی می‌افزاید، آن را گسترده می‌دهد و یا بازتولید می‌کند» (کرسول، ۱۳۹۱: ۸۴). فنون بازخوانی نظام‌مند در تحقیق حاضر، مقایسه همجوار^۲ و مقایسه ناهمجوار^۳ است زیرا «تحلیل مقایسه‌ای، شاه‌بیت پژوهش در علوم اجتماعی است» (اشتراس و کرین، ۱۹۹۰: ۱۰۰). مطالعاتی که به تأمل در مفهوم خانواده در عصر صفویه پرداخته‌اند بسیار کم شمار می‌باشند که ناشی از قلت داده‌های تاریخی درباره خانواده است. دانش انباشته موجود در ارتباط با وضعیت خانواده در عصر صفوی، مشتمل بر پژوهش‌هایی است که اعمال دو فن مقایسه همجوار و ناهمجوار، بر روی آنها، به بازنماییِ اطلس ادبیات تحقیق انجامید:

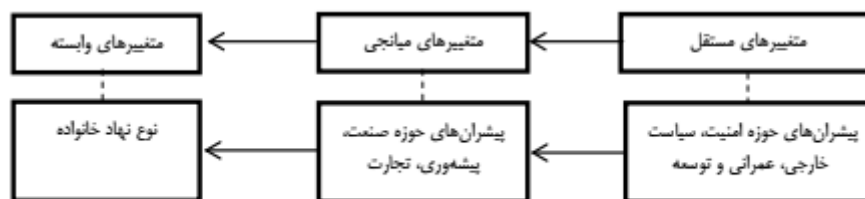


تحقیقات صورت گرفته عموماً مطالعه وضعیت زنان در عصر صفوی را هدفی سهل‌الوصول‌تر، نسبت به مطالعه خانواده دانسته‌اند و این امر سبب گردیده که جامعیت خانواده مخدوش گردد و خانواده به عناصر تشکیل‌دهنده آن فرو کاسته شود. برخی دیگر از تحقیقات نیز به‌رغم پرداختن به وضعیت خانواده در عصر مربوطه، در ارتقاء پژوهش به مرتبه‌ای بافت‌مند و سامانمند که گویای وضعیت عمومی صفویه باشد و فی‌المثل نسبت خانواده با پیشران حکمرانی را تنویر نماید، ناکام بوده‌اند. در این میانه، پژوهش پیش‌رو درصدد است «داده‌ها را درباره سایر امور (از جمله تاریخ) به خدمت بگیرد و... گزاره‌های فرضیه‌ای بیشتری را طرح کند» (اشتراس و کرین، ۱۹۹۰: ۱۳).

1. Systematic Review
2. Close-in technique
3. Far-out technique

۳. روش‌شناسی پژوهش

استراتژی پژوهش حاضر، قیاسی است. به این معنا که یک الگوی نسبتاً مشابه و تکرارشونده تاریخی در خصوص نسبت پیشران حکمرانی دیپلماسی مناسبات قدرت و خانواده، به‌عنوان الگوی محتمل در عصر صفویه در نظر گرفته شده و از داده‌های تاریخی در جهت تأیید نسبی آن استفاده شده است؛ زیرا در استراتژی قیاسی^۱، برخلاف استراتژی استنتاجی^۲، احکام معیار قرار می‌گیرند و داده‌ها در جهت احکام مربوطه به کار می‌روند. بر این اساس، رویکرد تحلیلی-تاریخی پژوهش حاضر، در بخش ابزار گردآوری داده‌ها، استنادی و کتابخانه‌ای است و در بخش احکام، مبتنی بر قیاس است و این قیاس به‌طور مشخص، استوار بر تیپ‌های ایده‌آل بوده است. افزون بر این، فرآیند عبور از حکم نظری به داده‌ها، مشابه با روشی از مجموعه روش‌های کمی^۳ در جامعه-شناسی است که تحلیل مسیر^۴ نامیده می‌شود (کشاورز و طاهری، ۱۴۰۴: ۴۰۷). در روش تحلیل مسیر، محقق تلاش می‌کند که فرآیند رخداد یک امر را بر اساس نقش متغیرهای واسطه یا میانجی کشف نموده و توضیح دهد. متغیرهای واسطه یا میانجی^۵، عواملی هستند که حداقل متغیر مستقل^۶ و متغیر وابسته^۷ قرار دارند و تأثیر متغیر مستقل را به متغیر وابسته منتقل می‌کنند.



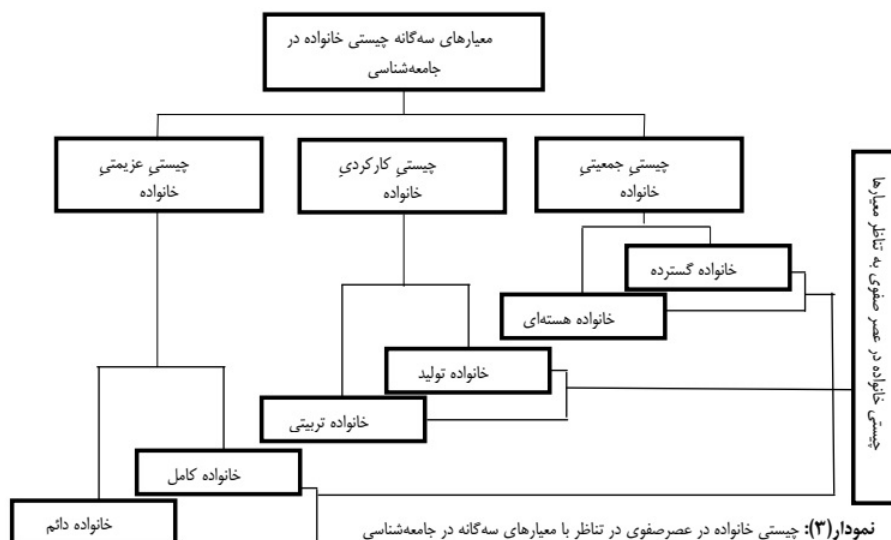
نمودار (۲): مدل مفهومی تحلیل مسیر اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته، با میانجیگری متغیرهای واسطه

۴. مبانی نظری

پژوهش حاضر متمرکز بر چیستی جمعیتی خانواده است؛ زیرا «تصور عمومی ما این است که خانواده یک نهاد تکرارشونده در طول تاریخ است، در حالی که ساختار خانواده، در طول تاریخ، صورت‌های متفاوتی پذیرفته است» (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۲۷). از میان این انواع متفاوت پژوهش حاضر بر دو نوع ساختار جمعیتی خانواده یعنی گسترده و هسته‌ای (مابعد گسترده) متمرکز کرده است: (۱) خانواده گسترده: خانواده‌ای که بر رابطه خونی تعداد زیادی از افراد مبتنی است و رایج‌ترین نوع خانواده در جوامع کشاورز است (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۲۸).

1. Deductive
2. Inductive
3. Quantitative
4. Path analysis
5. Mediator variable
6. Independent variable
7. Dependent variable

۲) خانواده هسته‌ای: خانواده‌ای که ویژگی بارز آن، شمار کم و تعداد محدود فرزندان است... و خصیصه جوامع صنعتی است (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۲۸).



سویه دیگر مطالعه پیش‌رو، مناسباتی است که میان پیشران حکمرانی و نهاد خانواده متصور است؛ زیرا هم خانواده و هم حاکمیت، در جامعه‌شناسی، نهاد دانسته می‌شوند. پس باید بر روابط متقابل آنها متمرکز شد؛ زیرا «هر تغییر چشمگیری در یک نهاد، احتمالاً دگرگونی‌هایی در نهادهای دیگر به بار می‌آورد» (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۱۱).

تعریف عام پیشران‌های حکمرانی^۱ عبارت است از: «توانایی ساختار حاکم برای اتخاذ و اجرای برنامه‌ها، سیاست‌ها یا قوانین در سطح عمومی» (Fukuyama, 2013: 352). همچنین «حکمرانی مبتنی بر روابط نهاد حکومت و نهادهای غیر حکومتی است... بر این اساس حکمرانی معطوف به ارتباط جامعه و دولت، یا رابطه میان حکومت و حکومت شوندگان است» (Kaufmann, 2010: 57) و با افزودن پیشوند پیشران‌ها به حکمرانی، «اساس حکمرانی، تصمیم‌گیری خواهد بود. تصمیم‌گیری‌هایی که جامعه را متأثر می‌سازد» (sapru, 2006: 89). نکته دیگر اینکه؛ پیشران‌های حکمرانی را می‌توان ناشی از طرحواره‌های ذهنی حکام دانست؛ زیرا در تعریف طرحواره^۲ آمده است که «طرحواره‌ها پدیده‌هایی شناختی هستند... و می‌توان آن‌ها را ساختار سازمان‌یافته‌ای از اطلاعات، باورها و فرض‌ها دانست... طرحواره‌ها، چارچوب‌های ذهنی یا قالب‌های فکری برای تصمیم‌گیری درباره امور هستند» (یانگ، ۱۳۸۳: ۹-۱۴).

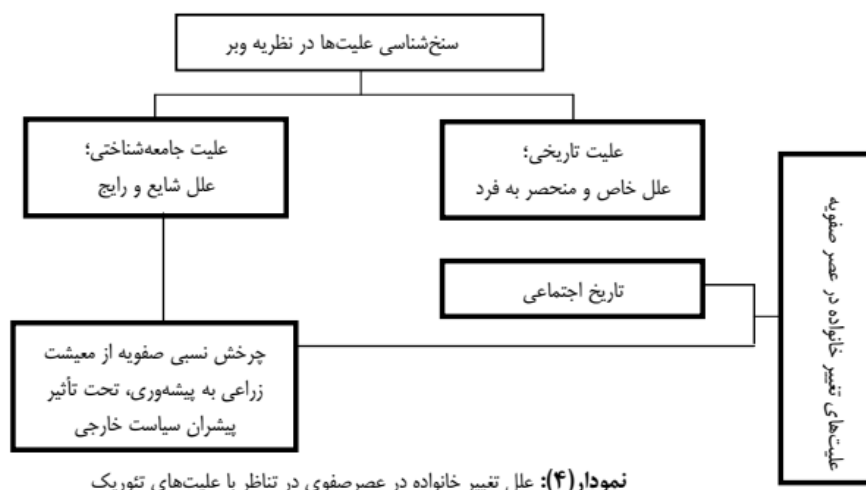
بدین منظور، پژوهش بر تئوری تاریخی-جامعه‌شناختی ماکس وبر استوار شده است. وبر از دو نوع علیت برای بررسی پدیده‌های تاریخ نام می‌برد؛ زیرا از نظر او؛ «علوم تاریخی و جامعه-

1. Drivers of governance

2. Schema

شناختی، فقط علمی تفهیمی^۱ درباره معانی امور نیستند بلکه علمی علی (تبیینی)^۲ نیز هستند» (آرون، ۱۳۷۷: ۵۸۰). البته تعبیر علیت در ساختمان نظری وبر، علیت مطلقاً به معنای همبستگی قطعی میان دو یا چند پدیده نیست بلکه؛ «قضایای تعیین‌شدگی عنصری از جامعه توسط عنصری دیگر باید به زبان احتمال بیان شوند» (آرون، ۱۳۷۷: ۵۸۶). بدین ترتیب، «علیت تاریخی درصدد یافتن عوامل منحصر به فردی از تاریخ است که موجب وقوع رویدادی شده است ولی علیت جامعه‌شناختی مبنا را بر این می‌گذارد که الگو یا قانونی عام میان دو نمود وجود دارد» (آرون، ۱۳۷۷: ۵۸۰). این علیت در ترمینولوژی وبر، تیپ ایدئال^۳ است (فروند، ۱۳۶۸: ۶۷؛ شفرز، ۱۳۸۳: ۲۴۹). تیپ ایدئال (نمونه آرمانی) برآمده از یک وضعیت نسبتاً فراگیر و مشترک میان سایر جوامع است؛ زیرا «ناظر بر خصلت نوعی تاریخ است» (آرون، ۱۳۷۷: ۵۸۹).

به نسبت بحث پژوهش و بر اساس تیپ ایدئال تاریخ بشر، در اغلب جوامع و اغلب مواقع، با تغییر معیشت از زراعی به صنعتی، خانواده نیز از نوع گسترده به نوع هسته‌ای تغییر یافته است و عمومیت این قاعده یا علیت در مطالعات مردم‌شناختی تاریخ بسیاری از جوامع، تأیید شده است؛ زیرا «همین که یک جامعه شروع به از دست دادن الگوی کشاورزی و حرکت به سمت الگوی صنعتی می‌کند... خانواده هسته‌ای جانشین خانواده گسترده می‌شود» (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۲۹). بنا بر همین یافته مردم‌نگارانه، در امتداد، پژوهش درصدد است که تغییر خانواده از گسترده به هسته‌ای در عصر صفوی را به اعتبار تغییر از معیشت کشاورزی به پیشه‌وری، فرضیه‌سازی کند. با ذکر این قید که تغییر از معیشت زراعی به پیشه‌ورانه، خود می‌تواند متأثر از پیشران‌هایی چون دیپلماسی مناسبات قدرت بوده باشد.



1. Versthen
2. explanation
3. Ideal Type

۵. نهاد خانواده در عصر صفوی

خانواده در عصر صفوی، از حیث چستی جمعیتی، اغلب از نوع گسترده بوده است. تغییر تدریجی این نوع از خانواده را می‌توان متأثر از شماری از سیاست‌گذاری‌های حکمرانی صفوی دانست؛ زیرا تغییر در هر نهاد احتمالاً به تغییر در دیگر نهادها می‌انجامد. فی‌المثل چه‌بسا «تغییرات نهاد اقتصاد نه تنها بر عناصر معیشتی بلکه چه‌بسا بر نهاد خانواده و سایر نهادها تأثیر عمیقی بر جای بگذارد» (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۱۱).

در عصر صفوی نیز پیشران‌های حکمرانی با توسعه چشمگیر پیشه‌وری، زمینه‌های اولیه تغییر خانواده، از گسترده، به مابعد گسترده را تا حدودی فراهم کرده است. گو اینکه در مستندات زیر، توسعه پیشه‌وری به‌عنوان یکی از پیشران‌های اقتصادی حکومت وقت، چستی جمعیتی خانواده را در بخشی از جامعه شهری، تحت تأثیر قرار داده است.

«اصناف در شهرهای اصلی همچون اصفهان و تبریز و کاشان و... به تولید کالاها برای استفاده عموم جامعه اشتغال داشتند» (فلور، ۱۳۹۴: ۴۱). فلور همچنین به وجود طبایخی‌ها در اصفهان اشاره می‌کند (فلور، ۲۰۰۰: ۵۳). وجود مشاغلی غیر از زراعت و دامداری به حدی بوده است که شاردن به مکانیسم دربار برای قیمت‌گذاری کالاها اشاره می‌کند (شاردن، ۱۳۷۵: ۱۳۵۰/۴). شاردن همچنین به سازوکار اجاره بها برای مغازه‌ها در شهرها اشاره می‌کند (شاردن، ۱۳۷۵: ۷۷۷/۲).

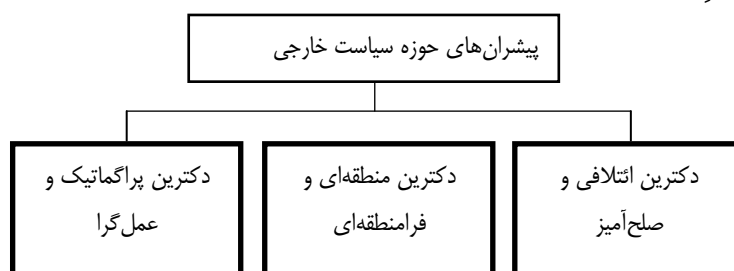
البته بی‌تردید پیشه‌وری - صنعت - تجارت در عصر صفوی صرفاً در مقام پدیده‌ای نوپا قابل طرح است اما رونق پیشه‌وری و صنایع و تجارت تا آن حد بوده است که بخش اعظم کتابی چون تذکره‌الملوک (میرزا سمیع، ۱۳۷۸) را به خود معطوف سازد و این امر حتی محدود به چند شهر بزرگ ایران وقت نبوده است، به ترتیبی که حتی در تواریخ محلی نیز به رونق یادشده پرداخته شده است. تاریخ گیلان (فومنی، ۱۳۹۰) نمونه‌ای از آن است که به موضوع امتیاز تجارت ابریشم در دوران شاه‌عباس اول و شاه صفی پرداخته است و در نمونه‌ای دیگر از تاریخ محلی، ۷۰ نوع از صنایع پیشه‌ور در شوشتر ذکر شده است (جزایری شوشتری، ۱۳۸۴).

بنابراین، صفویه در کنار زراعت و دامداری که نیازمند نیروی کار انسانی متراکم در درون خانواده‌های گسترده بود، پیشه‌وری و اصناف را نیز به سبب رونق اقتصادی گسترش داد و این امر بر چرخش نسبی از خانواده گسترده به هسته‌ای می‌توانست اثرگذار باشد. همان‌طور که در بخش چارچوب نظری گفته شده این امر تابعی از «طرحواره های ذهنی» حکام وقت بوده است و این طرحواره‌ها گویای نوع نگرش حکام به تغییر وضعیت اقتصادی و تجاری از ناحیه مناسبات خارجی بوده است. هرچه این طرحواره‌ها، درک عمیق‌تری از اهمیت مناسبات خارجی داشته‌اند، بیشتر به تغییر نوع معیشت و اقتصاد در کشور انجامیده و بیشتر خانواده را از ناحیه ابعاد آن متأثر ساخته است.

۶. پیشران دیپلماسی مناسبات قدرت و حوزه تأثیر متداخل

یکی از عواملی که در عصر صفویه، با وساطت پیشه‌وری و کار کارگاهی، بر تغییر خانواده اثر گذاشت، پیشران حوزه سیاست خارجی بوده است که مشخصاً پیرنگی پراگماتیک، صلح‌آمیز و منطقه‌ای - فرامنطقه‌ای داشته است. به عبارتی عملگرا بودن و همچنین صلح‌آمیز بودن دیپلماسی عصر صفوی، بر پیشران حکمرانی حوزه پیشه‌وری و صنعت و تجارت اثرگذار بوده و در ادامه این فرآیند، پیشران حوزه پیشه‌وری و صنعت و تجارت، احتمال تغییر نهاد خانواده از گسترده به هسته‌ای را کلید زده است.

در تعریف مناسبات قدرت آمده است که: «مناسبات قدرت، رابطه متقابل میان نیروها... به شکلی است که ساخته‌شدن سوژه قدرت را در طرفین توضیح می‌دهد» (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۸: ۳۵۸). بر همین اساس پیشران دیپلماسی مناسبات قدرت در صفویه، سه مکانیسم از جمله دکتربین سیاست خارجی ائتلافی (صلح‌آمیز)، دکتربین سیاست خارجی منطقه‌ای - فرامنطقه‌ای، دکتربین سیاست خارجی پراگماتیک (عملگرا) را مشتمل شد.



نمودار (۵): انواع دکتربین‌های پیشران حوزه سیاست خارجی

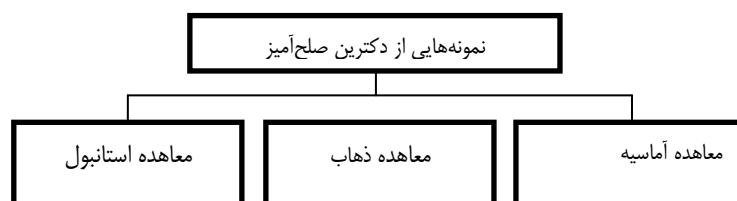
۱-۶. دکتربین سیاست خارجی ائتلافی (صلح‌آمیز)

روابط خارجی پر دامنه در کتاب کمبریج، این‌گونه انعکاس یافته است که: «صفویان بودند که ایران را وارد صحنه تاریخ جهانی کردند و... ارتباط با قدرت‌های غربی مفهومی جهانی داشت» (تاریخ ایران، دوره صفویان، ۱۳۸۰: ۷). فی‌المثل در خلاصه‌التواریخ، در مورد عقیده شاه‌تهماسپ مبنی بر دیپلماسی صلح‌آمیز صفوی آمده است: «چون از جانب خوندگار (سلطان سلیمان عثمانی) ایمایی به صلح شده بود شاه کامیاب از در مصالحه درآمد... معروض سلطان سلیمان گردانیدند که خصومت موجب ویرانی مملکت است و صلح موجب رفاهیت رعایا و باعث امنیت ممالک» (قمی، ۱۳۸۳: ۳۶۹-۳۷۰/۱). از درخشان‌ترین اقدامات صفوی در اهتمام به پیشران دیپلماسی صلح‌آمیز یا دکتربین سیاست خارجی ائتلافی، معاهده آماسیه (۹۶۲ ه‍.ق/ ۱۵۵۵ م) است که مرادات تجاری را در مرزهای غربی و شمال‌غربی تسهیل کرد. شاه‌تهماسپ در این باره می‌نویسد: «همگی همت

خیرنهمت بر انتظام صلح جانبین و استحکام قواعد محبت... است» (ایواغلی، نسخه عکسی شماره ۳۲۳: برگ ۹۰-۸۴).

حجم چشمگیر مکاتبات بین صفویان و دُول خارجی، به‌ویژه در دوره شاه اسماعیل، شاه-تهماسب و شاه‌عباس اول، گویایِ نگرش خارجی شاهان صفوی در خصوص مناسباتی چه در ایام صلح و چه در مواقع جنگ است (میچل، ۱۳۹۷: ۱۸؛ چلونگر و کشاورز، ۱۴۰۰: ۴۲۵-۴۲۲). البته بی‌گمان صرف محتوای مکاتبات نمی‌تواند دلالتی بر رویکرد واقعی حکام صفوی باشد اما وقتی محتوای این مکاتبات با اقدامات عملی حکام مبنی بر عقد قراردادهای صلح‌آمیز همچون آماسیه، ذهاب (۱۰۴۹ ه.ق/۱۶۳۹) و استانبول (۹۹۸ ه.ق/۱۵۹۰ م) و همچنین پایبندی جدی آنان به مفاد این معاهدات و یا تلاش برای تعیین سفرا مشاهده می‌شود، یک هم‌افزایی در این رابطه به دست می‌آید. در واقع مکاتبات، معاهدات و مراودات در سطح سفرا سه ضلعی هستند که در ادامه این نوشتار، مثلث دیپلماسی نسبتاً صلح‌آمیز صفویه را نشان می‌دهند. در نمونه‌ای از نامه‌های شاه اسماعیل و شاه سلطان حسین به سلطان بایزید و سلطان سلیم آمده است که: «دستگاه سلطنت قباب معدلت نصاب حشمت انتساب سلطان سلاطین اسلام، منکس رؤس عبده الأصنام، کهف الخواقین فی العالم، ملاذ ملوک الامم و حکام السنم» (چارشیلی، ۱۳۸۰: ۲۴۴). در نمونه‌ای دیگر آمده است که: «حضرت سلطنت منقبت خلافت مرتبت خورشید منزلت سپهر رتبت جمشید حشمت سکندر شوکت...» (نوایی، ۱۳۶۰: ۶۱). همچنین: «حضرت سامی مرتبت عالی منقبت سلطنت‌پناه ...، دارای ممالک آرای ناهید انتفاع برجیس ارتفاع افتخار...» (نوایی، ۱۳۶۰: ۲۳۵). نامه شاه‌تهماسب به سلطان سلیمان نمونه‌ای دیگر از این نامه‌ها است: «اعلی حضرت فلک رتبت سپهر بسطت کیوان... پادشاه فریدون جاه جم اقتدار...» (نوائی، ۱۳۵۰: ۳۳۷-۳۳۰). همچنین: «اعلی حضرت فلک مترتب خورشید رایت کیوان منزلت، برجیس برج سلطنت و شهریاری، آفتاب اوج عظمت و بخت یاری...» (نوائی، ۱۳۵۰: ۳۷۷-۳۶۱). در نامه شاه‌تهماسب به دولت عثمانی جهت ابراز تبریک جلوس سلطان دوم نیز می‌خوانیم: «مدت هشت ماه، تمام شاه خجسته فرجام، اوقات صرف کتابت آن نموده کتابت مذکور را موافق سلیقه خود به اتمام رسانیدند...» (قمی، ۱۳۸۳: ۴۷۸/۱-۴۷۷). در موردی دیگر از مکاتبات دیپلماتیک شاه اسماعیل با امپراتور آلمان شارل پنجم این‌گونه از ائتلاف جهت غلبه بر عثمانی گفته شده است که: «به کارل پسر فیلیپ، از شما انتظار دارم که به خواسته‌های من توجه کنید. ما باید در ماه آوریل، با هم از دو جانب بر دشمن مشترک خویش، سلطان عثمانی، حمله کنیم» (Hernan, 2012: 181). وجه دیگری از روابط ائتلافی در پیشران حکمرانی روابط خارجی صفویه را می‌توان از نحوه توجهی که حکام صفوی نسبت به استقرار سفرا داشتند دریافت. فی‌المثل شاه تهماسب در نامه‌ای؛ «استحکام روابط دوستانه از طریق مراودات دیپلماتیک سفرای دو کشور را خواستار شد» (قمی، ۱۳۸۳: ۵۷۸/۱-۵۴۵). این امر در سفرنامه‌ها این‌گونه بازتاب یافته که: «سفیری که به ایران وارد می‌شد، در ابتدا با توجه به دستور شاه از

سمت مرزبانان و حاکمان، حمایت‌های مالی و جانی می‌شد تا وقتی که به دیدار شاه نائل آید. مجموعه عواملی از جمله منشی‌الممالک و مجلس‌نویس، مهماندار باشی و... وظیفه داشتند مدت زمان اقامت سفیر در دربار ایران بدون هیچ مشکلی بگذرد» (شرلی، ۱۳۶۲: ۵۹؛ مینورسکی، ۱۳۶۸: ۸؛ شاردن، ۱۳۷۵: ۱۰۱/۲). همچنین در بعضی موارد هیأت عالی رتبه‌ای، به دستور شاه، سفیر و همراهانش را به نزد شاه در هر نقطه‌ای از کشور که بود، همراهی می‌کرد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۰۱). پایبندی به ائتلاف‌هایی چون معاهده آماسیه و معاهده ذهاب جلوه دیگری از دیپلماسی ائتلافی صفویه است. کمپفر درباره پایبندی شاه سلیمان می‌نویسد: «پایبندی او به تعهدات و قراردادهای مملکتی با آنچه گفتیم مطابقت داد. وی به هیچ‌وجه به سابقه از قول و قرار عدول نمی‌کند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۶۸). پایبندی به ائتلاف با دولت‌های خارجی در نمونه‌ای ممتاز از عصر صفوی مشهود است که طی آن، حکام صفوی درخواست مکرر اروپاییان برای نقض پیمان با عثمانی را با جدیت رد کرده‌اند. سانسون نقل کرده است که: «اعتمادالدوله جواب داده بود. شاه ایران به پادشاه عثمانی وعده داده است که با یکدیگر در صلح زندگی کنند و شاه ایران هیچ نفعی را از محترم شمردن قولی که به شاه عثمانی داده است، بالاتر نمی‌شناسد» (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۷۴-۱۷۲؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۱۰).



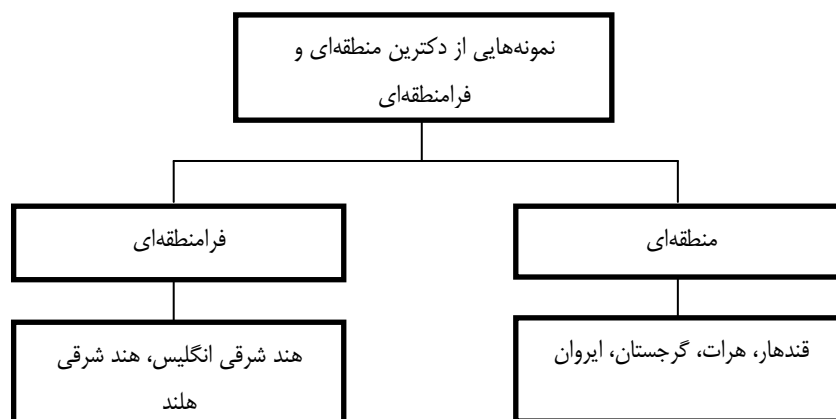
نمودار (۶): نمونه‌هایی از دکتربین صلح‌آمیز در سیاست خارجی

۲-۶. دکتربین سیاست خارجی منطقه‌ای-فرامنطقه‌ای

از دیگر مکانیسم‌های دیپلماسی فعال صفوی به مثابه یک پیشران، گستردگی منطقه‌ای-فرامنطقه‌ای روابط خارجی صفویه بوده است. قمی می‌نویسد: «از اقصای هزاره و قندهار تا نهایت گرجستان و ایروان که ممالک محروسه بود، تجار تنها تردد می‌نمودند و خوف و بیمی نداشتند» (قمی، ۱۳۸۳: ۶۴۹/۲). تتوی نیز می‌نویسد: «تجار به فراغت آمد و شد می‌کردند... و جمیع طرف از نهایت روم که نهایت مغرب است تا نهایت ترکستان و هندوستان تا نهایت کنار دریای چین به نوعی در امن بود» (تتوی و قزوینی، ۱۳۷۸: ۷۰۳). این گستردگی، خود محصول روابط خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای صفویه بود. پیشران حکمرانی صفویه یعنی روابط دیپلماتیک با دولت‌های دیگر به آنجا انجامید که: «شاه‌عباس بزرگ، بندرعباس را به یک مرکز تجارت بین‌المللی تبدیل کرد (Floor, 2006: 237-247). گو اینکه: «گاه بیش از سیصد کشتی از کشورهای مختلف

در لنگرگاه هرموز جمع می‌شدند» (شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۷۴-۷۳). این موضوع در دوره جانشینان شاه‌عباس نیز ادامه پیدا کرد و در این راستا: «روابط بازرگانی گسترده‌ای نه‌تنها با همسایگان، بلکه با اغلب کشورهای اروپایی برقرار شد و از این رهگذر منافع اقتصادی فراوانی نصیب ایران گشت» (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۱۸ و ۲۴۲؛ تاورنیه، ۱۳۶۹: ۳۶۴).

افزون بر موارد فوق، جلوه دیپلماسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را می‌توان در محدود نشدن تجارت ایران با کشورهای منطقه و گسترش تجارت با کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هند شرقی هلند نیز دید. هرچند که در برخی موارد، این روابط شکلی از استعمار را به ذهن متبادر می‌کند اما درک این نکته در نگرش ساختار حکمرانی صفوی که روابط با کمپانی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امری ضروری برای اثرگذاری بر پیشه‌وری-صنعت-تجارت است، به خودی خود گویای این طرحواره در ساختار ذهنی حکام صفوی است.



نمودار (۷): نمونه‌هایی از دکترین منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سیاست خارجی

در عین حال نباید از این نکته غفلت نمود که چرخش گاه و بی‌گاه ساختار حکمرانی صفوی از دیپلماسی به روابط ستیزآمیز چه در سطح روابط خارجی و چه در سطح مناسبات داخلی قدرت در ایران، زمینه‌های اثرگذاری مثبت بر تجارت و پیشه‌وری را مخدوش می‌ساخته است و به هر نسبتی که این چرخش عمیق‌تر و طولانی‌تر بوده است اثرگذاری مربوطه نیز منفی می‌گردیده است. از این جمله می‌توان مخاصمات میان صفوی با عثمانیان، ازبکان و مغولان هند را برشمرد که هم امنیت تجارت و هم رونق پیشه‌وری را متأثر ساخت. نمونه بارز این امر جنگ چالدران (۹۲۰ ه‍.ق/۱۵۱۴ م) بود که اتفاقاً با تحریکات دولت صفوی رخ داد. اساساً «جنگ‌های متوالی و طولانی میان صفویان و عثمانیان غالباً با تحریک صفویان اتفاق می‌افتاد؛ زیرا صفویه با به راه انداختن جنگ با یک دشمن دینی مبانی مشروعیت خود را تحکیم می‌کرد، بر قدرت و افتخار خود برای ادامه حکومت می‌افزود و نیز در پناه جنگ سرکشی‌های داخل را سرکوب می‌کرد» (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۱۶). نباید از نظر دور داشت که با طرح صلح آماسیه میان شاه‌طهماسب و سلطان سلیمان بخش عمده این مخاصمات کاهش یافت و «ایران سیاست نزدیکی به اروپا را

شکست‌خورده تلقی کرد و به نوعی اطاعت از عثمانی را پذیرفت» (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۱۷). ضمن اینکه در زمان حکومت شاه‌طهماسب برای نخستین بار روابط تجاری بین ایران و بریتانیا برقرار شد. «نخستین سفیر انگلیس، آنتونی جینکینسون^۱ رئیس شرکت مسکوی، به ایران آمد. او از سوی ملکه الیزابت اول^۲ مأموریت داشت که راه تجارت با ایران را بگشاید... آنتونی در این سفر موفقیتی به دست نیاورد، اما توانست مقدمات سفر هیأت تجاری بعدی را فراهم آورد. در سفر بعدی، شرکت مسکو موفق شد فرمانی از شاه‌طهماسب بگیرد که به موجب آن کارگزاران شرکت می‌توانستند بدون دادن عوارض، کالاهای خود را به ایران وارد و ابریشم خام را از آنجا صادر کنند» (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۱۹). تصرف هرمز توسط پرتغالی‌ها از دیگر وقایعی بود که سیاست خارجی ایران را با چالش مواجه کرد و در نتیجه تجارت و پیشه‌وری را از خود متأثر ساخت؛ زیرا «هرمز بزرگ‌ترین مرکز تجارت بین ایران، عراق، هند و آفریقا بود» (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۱۸). در اینجا نیز نباید از نظر دور داشت که بازپس‌گیری هرمز در زمان شاه‌عباس، مجدداً به نفع تجارت و پیشه‌وری رقم خورد.

۳-۶. دکترین سیاست خارجی پراگماتیک (عملگرا)

یکی دیگر از مکانیسم‌های دیپلماسی فعال صفوی به‌مثابه یک پیشران، نوع عملگرایی سیاست خارجی آنان بوده است. سیاست خارجی پراگماتیک در علم روابط بین‌الملل؛ در منعطف نمودن سیاست خارجی با هر کشور، به نسبت شرایط است... و روابط خارجی در گرو تغییرات محیطی است (Rorty, 1988: 150-154) و به همین دلیل؛ «پراگماتیسم سیاسی بر واقع‌گرایی بجای ایدئالیسم، بر ابزارگرایی بجای مطلق‌انگاری و بر انعطاف‌پذیری و مصلحت‌اندیشی بجای دگماتیسم مبتنی است» (رورتی، ۱۳۸۴: ۳۰-۲۵).

یکی از جلوه‌های درخشان دیپلماسی پراگماتیک، ترک ائتلاف با اروپائیان در قبال جنگ‌های میان عثمانی و اروپا به‌رغم ائتلاف پیشین با اروپاییان بود. بر همین اساس، به‌رغم اینکه دُول اروپایی درگیر با عثمانی از جمله اتریش، لهستان، ونیز، سوئد و روسیه مکرراً هیئت‌های دیپلماتیک را به دربار شاه‌عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین فرستادند تا حکام صفوی را برای ائتلاف با اروپا علیه عثمانی متقاعد سازند، صفویه بر اساس توجه به اصل مصلحت-اندیشی مستتر در رویکرد پراگماتیک، تغییر جهت داده و نسبت به مجادلات امپراتوری عثمانی و دُول اروپا اعلام بی‌طرفی کرد و تسلیم فشارهای اروپاییان نشد. گو اینکه حکام صفوی نسبت به تجربه اعتماد به اروپاییان، واقع‌گرایی را لحاظ کرد زیرا اروپاییان هیچ کدام از تعهدات نظامی خود به ایران را عملی نکرده بودند. افزون بر این تجربه بی‌اعتمادی، طرحواره سیاست خارجی پراگماتیک در قالب فکری حکام صفوی حکم می‌کرد که به ظرفیت‌های نظامی ایران نیز توجه

1. Antonie Jkinson

2. Elizabet I

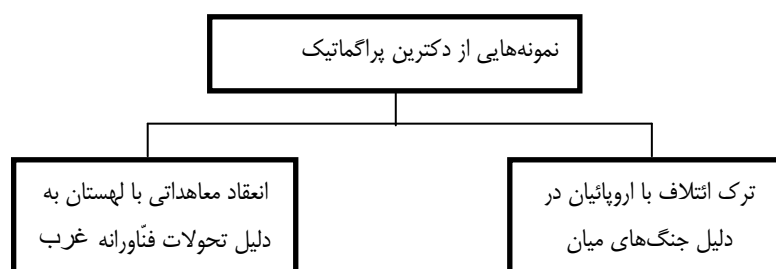
نموده و سیاست خارجی خود در قبال عثمانی را با توجه به آن اعمال نمایند زیرا واقعیت موجود از برتری نظامی عثمانی نسبت به ایران حکایت داشت.

این در حالی بود که پیش از معاهده ذهاب، صفویه موضعی تخصیصی نسبت به عثمانی داشت و در اتحاد با اروپاییان بود. فی‌المثل شاه اسماعیل در جواب نامه سلطان سلیم نوشت: «حال که باد نخوت در دماغ شما راه یافته است، سر نامبارک شما را به بازوی خیبر گشای حضرت امیرالمؤمنین برداشته» (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۵۱۲) و یا در پاسخ به نامه‌های سلطان سلیم عثمانی این‌گونه دیکته می‌کند:

«بس تجربه کردیم در این دیر مکافات با آل علی هر که در افتاد، برافتاد»

(نوابی، ۱۳۶۰: ۱۶۸)

ضمن اینکه قرن دهم تا دوازدهم هجری در ایران، مقارن با قرن شانزدهم تا هجدهم میلادی در اروپا بود و اروپا در شرف تحولات فناورانه بود و صفویه بنا بر ایجاد همگرایی مشترک با اروپا تا حدودی نیز به یک دیپلماسی علمی در جهت دستیابی به تحولات فناورانه نزدیک شد و انعقاد معاهداتی با لهستان در دوره شاه سلیمان صفوی از جمله آنها است. تعرضات عثمانی به ایران، از علل اصلی ائتلاف ایران و لهستان بود. صفویه سعی داشت از طریق روابط دوستانه با دولت‌های اروپایی از طریق گسترش روابط دیپلماتیک، توسعه روابط بازرگانی و افزایش فعالیت میسیونرهای مذهبی، از آنها به عنوان یک کمر بند ایمنی محافظ در مقابل امپراتوری عثمانی استفاده نمایند (Chronicle of the Carmelites, 1939: 1/420؛ شاول، ۱۳۷۰: ۳۷۱/۱؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۸۵ و ۲۶۵-۲۶۱؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۱۷۴-۱۷۲). هرچند با تغییر شرایط، دولت صفوی از مقطعی به بعد، یعنی از شاه‌تیماسب در ایران و سلطان سلیم در عثمانی، بر نزدیکی با حکومت عثمانی متمرکز شد. وی در تذکره خود می‌نویسد: «خواندگار، به غذا به جانب فرنگ رفته... کار ما پیش نخواهد رفت و اگر چنانچه او برادر و فرزند مرا کشته باشد، چون به غزای کفار رفته به الکای او نمی‌رویم» (شاه-تیماسب، ۱۳۴۳ ق: ۲۱).

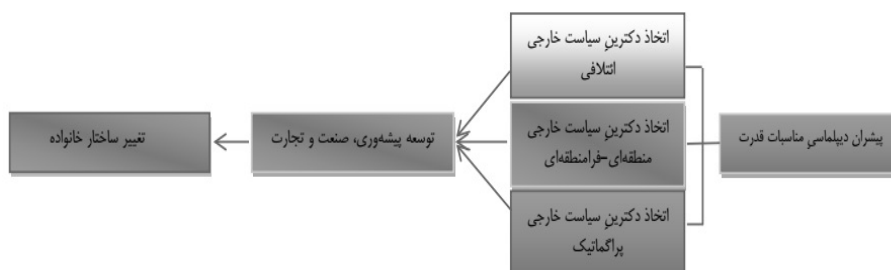


نمودار (۸): نمونه‌هایی از دکتترین پراگماتیک در سیاست خارجی

بنابراین سه مؤلفه دیپلماسی پراگماتیک، یعنی انعطاف‌پذیری در قبال تغییر شرایط، توجه به واقعیت‌های موجود و مصلحت‌اندیشی در پیشران سیاست خارجی صفویه وجود داشته و این امر به رونق پیشه‌وری-صنعت-تجارت کمک کرده است؛ زیرا تنها در پرتو روابط خارجی سنجیده

است که مراودات تجاری با سایر کشورها میسر می‌گردد و کالاهای ساخت طنایع و پیشه‌وران امکان تولید انبوه را خواهند یافت.

حکام صفوی، تحت تأثیر این طرحواره، به فهمی نسبی و اولیه از اقتصاد سیاسی دست یافتند که بر اساس آن می‌توانستند تأثیر سیاست (دیپلماسی) بر اقتصاد (صنعت و تجارت و پیشه‌وری) را درک کنند. طبق مبنای نظری و روش‌شناختی پژوهش که همانا تحلیل مسیر است، متغیر مستقل در مسیر یادشده همانا پیشران‌های حوزه سیاست خارجی و سه دکنترین یادشده بوده است که با وساطت متغیر واسطی چون پیشه‌وری و تجارت، توانسته است متغیر وابسته‌ای چون خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. به بیان دیگر مسیر اثرگذاری سیاست خارجی بر خانواده، با میانجی‌گری پیشه‌وری و تجارت رخ داده است و این دقیقاً همان الگوی عامی است که در نظریه ماکس وبر علیت جامعه‌شناختی نامیده می‌شود و در اغلب جوامع مسیری مشابه و تکرارشونده را طی می‌کند.



نمودار(۵): اثرگذاری سه بازوی پیشران دیپلماسی فعال، بر نهاد اقتصاد و سپس بر نهاد خانواده

۷. صورت‌بندی یکپارچه اثرگذاری پیشران نهاد حکمرانی صفوی (دیپلماسی مناسبات قدرت) بر نهاد خانواده، با وساطت پیشران حوزه پیشه‌وری

بنا بر داده‌های فوق‌الذکر، پیشران‌های حکمرانی صفوی وضعیتی انتقالی را به نمایش گذاشته است زیرا هرچند که این پیشران‌ها عمدتاً بر اقتصادی که متکی به نیروی کار انسانی درون خانواده باشد دلالت دارند اما در عین حال، داده‌هایی متناقض، حاکی از دیگر پیشران‌ها، به ترتیبی است که پیشه‌وری را وسعت بخشیده و این نوع از پیشران‌ها، نیاز خانواده به نیروی کار انسانی برای تأمین اغلب کالاها و نیازهایش، در درون خود و به‌طور خودکفا را کاهش داده و احتمالاً زمینه‌های اولیه تبدیل خانواده، از شکل گسترده به غیر گسترده را رقم زده است.

البته دیپلماسی مناسبات قدرت همواره و در همه ادوار صفویه در سه سطح دکنترین وسعت روابط خارجی منطقه‌ای-فرمانطقه‌ای، دکنترین روابط خارجی پراگماتیک و دکنترین روابط خارجی ائتلافی، موفق نبوده است. به عنوان نمونه دیپلماسی شاه‌طهماسب با انگلستان بر سر مراودات تجاری موفق نبود؛ زیرا این دیپلماسی «به دلیل رقابت تجار عثمانی، ارمنی و ونیزی، ایران توفیق چندانی حاصل نکرد» (طاهری، ۱۳۴۹: ۴۸). در نمونه‌ای دیگر «شاه‌عباس نخستین هیأت دیپلماتیک ایران را به دربار تزار فرستاد و تلاش شد که اتحاد سه‌جانبه میان ایران، روسیه و

آلمان امضا شود. در همین زمان نخستین هیأت دیپلماتیک ایرانی عازم آلمان شد» (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۸). هرچند این پیمان سه جانبه نیز موفقیت‌آمیز نبود. در مثالی دیگر «شاه‌عباس آنتونی شرلی ۱ را با دست‌خطی از خود به دربار جیمز اول، پادشاه انگلستان، فرستاد تا راه‌های گسترش تجارت میان دو کشور را بررسی کنند. ایران تاکنون ابریشم خود را که کالای انحصاری در جهان بود، از طریق خاک عثمانی می‌فروخت. در صورت انعقاد قرارداد تجاری با انگلیس می‌توانست از این زمان به بعد این کالای ارزشمند و پرمشتری را با کشتی‌های انگلیسی و از طریق خلیج فارس به اروپا بفرستد... که باز این سیاست هم موفقیت‌آمیز نبود» (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۲۰). با این‌همه، به استناد مستندات ذیل، می‌توان کلیت دیپلماسی وقت را به نفع تجارت و پیشه‌وری و در نتیجه، در مسیر چرخش از خانواده گسترده به مابعد گسترده ارزیابی نمود.

گو اینکه فی‌المثل در خصوص دیپلماسی صفوی با کشور فرانسه، در سال ۱۰۷۳ ق. سفیری به نام ژون سر^۲ از طرف لویی چهاردهم به دربار شاه سلیمان آمد و اولین قرارداد متقابل تجاری میان طرفین امضا شد. همچنین لویی چهاردهم کنسول خود در شهر حلب سوریه را به نام پیر ویکتور میشل^۳ به اصفهان و به دربار شاه سلطان حسین فرستاد (۱۱۱۶ ق.). میشل موفق شد قراردادی با سی‌ویک ماده بر سر تجارت بین دو کشور با دربار ایران منعقد کند (۱۷۰۷ م)» (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۲۱).

در مجموع به رغم داده‌هایی که بر ناکامی در خصوص برخی از موارد دیپلماتیک وجود دارد، روابط خارجی بر صنایع صفوی اثر گذاشت. گو اینکه طبق گونه‌شناسی فوران؛ کشاورزی، دامداری و پیشه‌وری، سه‌گونه تولید در عصر صفوی بوده‌اند (فوران، ۱۳۸۸: ۵۱). یکی از تفاوت‌های عمده این انواع از نظام معیشتی، تفاوت در میزان نیاز آنها به نیروی کار انسانی خودکفا است و صفویه با برخورداری از زراعت و دامداری، بر تداوم خانواده گسترده دامن زده است. گو اینکه علاوه بر زراعت که نیاز به کثرت نیروی کار انسانی داشته است؛ دامپروری از آن خانواده‌های گسترده بوده است (فوران، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۴؛ اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۱۲۸) و «عشایر عمدتاً به دامداری اشتغال داشتند» (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۱۲۸)؛ اما در عین حال، صفویه به سبب نوعی از پیشران‌های حکمرانی پیشه‌وری و کارِ کارگاهی نیز پدید آورد. فی‌المثل شاردن به تعدد کارگاه‌های تأسیس‌شده و اشتغال پنج‌هزار نفری کارگران در آنها اشاره می‌کند (شاردن، ۱۳۷۵: ۴/۱۴۲۰ و ۱۴۲۲) و سیوری به طبقه اصناف و کارگران در شهرهای بزرگی چون اصفهان اشاره دارد (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۸۶). دلاواله نیز افزون بر کشاورزان، به وجود تجار و صنعت‌گران نیز در عصر صفوی اشاره می‌کند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۳۴۸) و نیومن و فلور نیز به وجود اصناف در کلان شهرها از جمله تبریز اشاره می‌کنند (نیومن، ۱۳۹۲: ۷۱؛ فلور و کلاوسن، ۲۰۰۰: ۵۱-۵۴). این گونه سوم معیشت، چه‌بسا زمینه‌های تغییر

1. Antonie Sherlly
2. Jean Ser
3. Pierre Victeur Michel

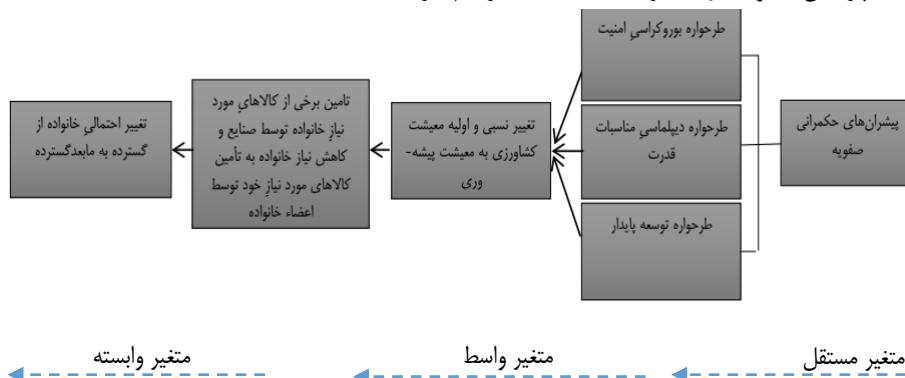
شکل نهاد خانواده از گسترده به هسته‌ای را تا حدودی فراهم نموده باشد؛ زیرا پیشه‌وری و کار کارگاهی و اصناف، نیازها و کالاهای مورد نیاز خانواده را تأمین و تولید نموده و بدین ترتیب، نیاز خانواده به تعداد زیادی از نفرات و فرزندان، جهت تأمین کالاهای مورد نیاز خود را منتفی می‌سازد.

گو اینکه در حدود ۵۵٪ خانواده‌ها در جامعه وقت کشاورز، ۳۰٪ دامدار و ۱۵٪ نیز پیشه‌ور و بازرگان و کارگر بوده‌اند (فلور و کلاوسن، ۲۰۰۰: ۱۱-۱). تاورنیه نیز به وجود اصناف در شهرها اشاره می‌کند (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۶۷-۲۸۴). حتی بنا بر مستندات اولیویه؛ «بخشی از زنان شهری در بخش غیررسمی صنعت پیشه‌وری اشتغال دارند» (اولیویه، ۱۳۷۱: ۸۶). آنتونی ولش در خصوص رونق پیشه‌وری به تولیدات سفالینه و منسوجات، به منظور صادرات اشاره می‌کند (ولش، ۱۳۸۹: ۶۷). سیوی به تأسیس کارگاه‌های متعدد و صدور فرش و ظروف قلمکاری به اروپا و هند اشاره می‌کند (سیوری، راجر، ۱۳۷۴: ۱۳۸-۱۳۷). حتی به پیشی گرفتن از سفال‌های چینی در بازارهای جهانی اشاره دارد (سیوری، ۱۳۷۴: ۱۴۳).

این سطح رونق صنایع پیشه‌وری، موکول به پیشران‌هایی از جانب ساختار حکمرانی بوده است که؛ الف) توسعه پایدار شبکه راه‌ها و کاروانسراها در جهت تسهیل ترانزیت کالا و ب) تأمین امنیت در جهت ترانزیت ایمن کالا به شکلی بوروکراتیک از جمله آنهاست اما موفقیت این پیشران‌ها به تنهایی میسر نبوده است. در ادوار دیگری غیر از صفویه نیز نسبتاً امنیت و توسعه راه‌ها مشاهده می‌شود اما این پیشران سیاست خارجی صفویه بوده است که موفقیت سایر پیشران‌ها را تا حدودی تأمین نموده و بانی تغییر نوع معیشت و سپس باعث تغییر خانواده شده است؛ زیرا تغییر معیشت از زراعتی و دامداری در ادامه پیوستار خود، چه‌بسا به تغییر در نیروی کار انسانی خانواده انجامیده باشد و زمینه‌های مقدماتی تغییر ساختار جمعیتی آن را رقم زده باشد. به عبارتی این پیشران‌ها بر تغییر از معیشت زراعی و دامداری، به صنعتی و تجاری تأثیر گذاشته و بنا بر تیپ ایدئال اغلب جوامع که مستخرج از مطالعات مردم‌شناختی است، ابعاد خانواده را کوچک‌تر کرده باشد.

یکی از سازوکارهای اثرگذار بر ابعاد خانواده، گسترش تجارت و پیشه‌وری و تولید کالاها در محیط‌های کارگاهی بوده است. گسترش تجارت، پیشه‌وری و صنایع، خود موکول به مناسباتی بوده است که صفویه در سطح سیاست خارجی با دیگر دول و ملل برقرار می‌نموده است. نوع و چگونگی این مناسبات هر چه صلح‌آمیزتر، پراگماتیک‌تر و گسترده‌تر (منطقه و فرامنطقه‌ای) بوده باشد تأثیرات آن بر گسترش تجارت و پیشه‌وری بیشتر بوده و در نتیجه خانواده را از تولید تمامی کالاها در درون خود و به طور خودکفا بی‌نیازتر می‌نموده است و این امر سبب می‌گردیده که خانواده برخی از کالاها مورد نیاز خود را از صنایع پیشه‌وری و کارگاه‌ها تأمین نماید. از این‌رو به تعداد نفرات زیاد در خانواده، نیاز پیشین را نداشته باشد؛ زیرا برای تولید این کالاها دیگر نیاز

به این امر نبود که خود افراد درون یک خانواده تمامی آن کالاها را تولید کنند. در نتیجه زمینه‌های چرخش خانواده از گسترده به هسته‌ای فراهم گردیده است.



نمودار (۶): تحلیل مسیر اثرگذاری پیشران‌های حکمرانی صفویه بر تغییر احتمالی خانواده، با میانجیگری نوع معیشت نمودار بالا مدل مفهومی فرضیه اثرگذاری پیشران دیپلماسی مناسبات قدرت بر خانواده را به صورت بصری روایت می‌کند اما شکل‌گیری زمینه‌های کاهش ابعاد جمعیتی خانواده از ناحیه طرحواره‌ها و پیشران‌های حکمرانی صفوی که به صورت احتمال و بر اساس تیپ ایدئال مطالعات تاریخی مردم‌شناسی قابل طرح است، مسیری هموار نداشت و این طرحواره‌ها در ساختار ذهنی حکام و در ادوار پایانی صفویه شدت و ضعف‌هایی داشت و چه‌بسا به این سبب، برخی از احتمالات مربوط به تغییر جمعیتی خانواده را تقویت یا تضعیف می‌نمود. فی‌المثل در دوره شاه اسماعیل، مرادوات تجاری با غیر شیعیان مذموم اعلام شد و اموال تجار سنی نجس دانسته شد (قمی، ۱۳۸۳: ۶۲/۱). همچنین انزوای شاه اسماعیل اول در پی شکست جنگ چالدران، کشور را با بحران اقتصادی و سیاسی مواجه کرد (قمی، ۱۳۸۳: ۱۵۶/۱) و یا در پی به تخت نشستن شاه اسماعیل دوم بحران‌های اقتصادی و سیاسی به سبب انتقام‌جویی از دشمنان و درباریان شدت یافت (روملو، ۱۳۵۷: ۶۳۷) و یا در پی جنگ‌های شاه‌تیماسب برای تصرف گرجستان، هزینه‌های هنگفتی به اقتصاد کشور وارد شد (قمی، ۱۳۸۳: ۲۹۴/۱). در چندین دوره نیز مالیات‌های سنگین به نابودی صنایع انجامید (قمی، ۱۳۸۳: ۳۲۴/۱) و یا به سبب دور شدن شاه‌تیماسب از پیشران‌های یادشده، چنان وضعیت اقتصادی کشور دچار مشکل شد که به مدت ۱۴ سال حقوق قشون نظامی پرداخت نشد (روملو، ۱۳۵۷: ۶۲۳) و یا رشوه‌خواری شاه صفوی از تجار خارجی و خروج پول از کشور توسط تجار هندی در دوره او شدت یافت (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۳۰) و یا می‌توان به رواج تقلب در تجارت کشور بعد از پایان یافتن حکمرانی شاه‌عباس اول اشاره کرد (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۹/۴). هرچند با این همه سایر ادوار حکمرانی صفویه، جلوه‌هایی ویژه از وجود طرحواره‌های مترقی در ذهنیت دیپلماتیک حکام صفوی داشته است و از این ناحیه، اقتصاد و تجارت و پیشه‌وری را رونق

بخشیده و در نتیجه خانواده را از برآوردن بخشی از کالاهای مورد استفاده‌اش، بی نیاز ساخته و آن را به سمت ابعاد کوچک‌تر سوق داده است.

طبق نظریه وبر، علیت جامعه‌شناختی تغییر احتمالی نوع خانواده در عصر صفوی، فارغ از علیت تاریخی که بر داده‌هایی خاص و منحصر به فرد دلالت دارد، بر تیپ ایدئال و الگویی مشابه میان جوامع دلالت دارد و آن الگوی مشابه، تغییر خانواده از گسترده به هسته‌ای، در پی تغییر نوع معیشت، از کشاورزی و دامداری به صنعتی و پیشه‌وری است. به بیان دیگر، طبق علیت جامعه-شناختی وبر، تغییرات و چرخش‌های نسبی صفویه از معیشت کشاورزی به معیشت پیشه‌وری و تجاری، طبق الگوی جهانی و عام گفته شده، زمینه‌های اولیه کوچک‌تر شدن ابعاد خانواده را در صفویه رقم زده است.

۸. نتیجه

پژوهش حاضر یک فرض را البته نه به شکلی آگزیماتیک و قطعی، پیش می‌نهد و آن، انتقالی بودن سازمان عمومی صفویه، از وضعیتی کاملاً سنتی، به سنخی نسبتاً پسانسنتی است. در عصر صفوی نیز همچون دیگر جوامع، تغییر ساختار جمعیتی خانواده متأثر از جایگزینی نسبی و اولیه پیشران‌های حوزه پیشه‌وری و صنایع و اصناف بوده است و پیشران‌های حوزه یادشده، خود تابعی از پیشران‌های دیگری بوده است که از جمله آنها می‌توان به پیشران دیپلماتیک اشاره نمود. بازوهای اجرایی سیاست خارجی مناسبات قدرت در عصر صفوی، دکترین سیاست خارجی ائتلافی، اتخاذ دکترین سیاست خارجی منطقه‌ای-فرامنطقه‌ای و اتخاذ دکترین سیاست خارجی پراگماتیک است که هر کدام به نحوی مسبب رونق پیشه‌وری، تجارت و صنعت بوده‌اند.

به اعتبار تیپ ایدئال در مطالعات مردم‌شناختی درباره علت عمومی تغییر خانواده، می‌توان این احتمال را حدس زد که صفویه نیز به میزانی که زمینه‌های عبور از معیشت کشاورزی به صنعتی را فراهم نموده، چه‌بسا زمینه‌های چرخش خانواده از گسترده به مابعد گسترده را نیز فراهم نموده باشد؛ بنابراین پژوهش حاضر در مقام یک اقدام فرضیه ساز، درصدد بوده است که شرایط عصر صفویه در خصوص عبور نسبی از کشاورزی به پیشه‌وری را به سازوکاری برای طرح این فرضیه بدل کند که اتکا سیاست خارجی صفویه بر فهم مناسبات قدرت، چه‌بسا بر تغییر نوع معیشت اثر گذاشته و در ادامه این فرآیند، احتمالاً، چرخش ابعاد خانواده را نیز رقم زده است؛ زیرا توسعه سیاست خارجی و اتخاذ سیاست‌گذاری نسبتاً مطلوب در حوزه دیپلماسی، سازوکارهای رونق تجارت کالاها را سبب گردیده است. بدین ترتیب رونق تولیدات کالایی توسط پیشه‌وران و کارگاه‌ها و همچنین توسط تجار را سبب گردیده است و درست از همین ناحیه بخشی از کالاهای مورد نیاز خانواده دیگر نه به صورت خودکفا بلکه توسط تولیدکنندگان کارگاهی و تجار تأمین گردیده است. این امر تعداد زیاد افراد خانواده و تأمین تمامی مایحتاج خانواده توسط افراد

خانواده را بلا توجیه نموده است و چه‌بسا خانواده را به‌تدریج به سمت نوع هسته‌ای سوق داده است. البته فرضیه‌سازی یادشده، باید با چند قید بلادرنگ مطرح شود که عبارت‌اند از:

الف) خانواده در صفویه به‌طور کامل از نوع گسترده عبور نکرده است و صرفاً شکلی نوظهور، مقدماتی و نسبی را تداعی می‌کند. به عبارتی این تأثیرات، تنها در بلندمدت و در صورت تداوم آن پیشران‌ها در سایر مقاطع حکومت، به شکل‌گیری خانواده هسته‌ای می‌انجامیده است.

ب) پیشران‌های یادشده صرفاً زمینه‌های تنوع خانواده را و نه زمینه‌های انحلال خانواده گسترده را فراهم کرده است؛ بنابراین حتی در رادیکال‌ترین احتمال، خانواده غیرهسته‌ای صفویه را می‌توان همچنان خانواده ستاکی دانست؛ زیرا در این نوع خانواده، اشتغال نیروی کار خانواده در مشاغل دیگر و در مکان‌هایی دیگر هیچ‌گاه منجر به جدایی افراد خانواده از خانواده نمی‌شود.

ج) اطلاق عنوان هسته‌ای به خانواده مطلقاً به معنای خانواده هسته‌ای عصر مدرن نیست و صرفاً به معنای کوچک‌تر شدن ابعاد برخی از خانواده‌های گسترده شهری در صفویه است و به همین دلیل بارها بجای خانواده هسته‌ای از تعبیر خانواده مابعد گسترده استفاده نمودیم.

د) طرح این مفروض که متناظر با چرخش اقتصاد صفوی به سمت صنعتی، چرخش خانواده به سمت مابعد گسترده نیز رخ داده است صرفاً بیان یک احتمال است. گو اینکه اندیشه علی و بر به صورت بحث از احتمال بیان می‌شود. او نسبت‌های علی جامعه‌شناسی را نسبت‌هایی محتمل تصور می‌کند زیرا نسبت‌های علی بیانگر یک خصلت احتمالی هستند نه جبر ضروری.

ه) اطلاق پیشران حکمرانی به سیاست‌گذاری‌های صفوی در حوزه دیپلماسی، صرفاً ناظر بر شکل کاملاً کلاسیک پیشران حکمرانی است و همچنین استفاده از تعبیر مناسبات قدرت در این میان، تنها ذیل مفهوم طرحواره قبل طرح است و شکلی کاملاً مقدماتی در صفویه است.

و) پیشران حوزه دیپلماسی صفوی بر سایر نهادها از جمله نهاد خانواده اثرگذار بوده است اما همان‌طور که در بخش صورت‌بندی یکپارچه اثرگذاری پیشران نهاد حکمرانی صفوی بیان شد این امر فراز و فرودهایی داشته است و هرگاه رویکرد دیپلماتیک بر سایر رویکردها غلبه می‌نموده است رونق تجارت و پیشه‌وری و در نتیجه احتمال تغییر نوع خانواده مشاهده می‌شود و هرگاه مناسبات خارجی به سمت مخاصمه و یا ناکامی متمایل می‌شده است، احتمال مذکور رو به خاموشی نهاده است. در نتیجه وضعیت‌های یادشده تأثیراتی مثبت و منفی بر چرخش خانواده از گسترده به مابعد گسترده داشته است.

در مجموع، مستندات پارادوکسیکال موجود در عصر صفویه که از سویی بر شیوع معیشت کشاورزی و در نتیجه شیوع خانواده گسترده دلالت دارد و از سوی دیگر حاکی از تغییر نسبی معیشت به سمت پیشه‌وری است، می‌تواند این گمانه را تقویت کند که صفویه مقدمات اولیه تغییر خانواده از گسترده به مابعد گسترده را رقم زده است. وقوع مجموعه این تغییرات در اجتماعی‌ترین نهاد یعنی نهاد خانواده، گویای این نکته حیاتی است که نوع سیاست خارجی یک کشور می‌تواند

حتی خردترین مقیاس‌های اجتماعی از جمله خانواده را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین، حکمرانی پیش از اتخاذ هر پیشرانی باید دامنه تأثیرات آن پیشران را محاسبه کند. برجسته نمودن این فرض، مستلزم به کارگیری تیپ ایدئال مطالعات جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی از سویی و داده‌های تاریخی از سوی دیگر بود تا وجوهی مستور از تاریخ اجتماعی به سخن آید.

منابع

- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، سفرنامه، ترجمه محمد طاهر قاجار، به کوشش غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۶۹)، سفرنامه، ترجمه: حسین کرد بچه، تهران: کتاب.
- ایواغلی، حیدر بن ابوالقاسم، مجمع الانشاء، نسخه عکسی به شماره ۳۲۲۳، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- بیگدلی، علی (۱۳۸۵)، «روابط خارجی ایران عصر صفوی»، زمانه، شماره ۵۰، صص ۲۲-۱۳.
- تاریخ ایران، دوره صفویان، دانشگاه کمبریج (۱۳۸۰)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۹)، سفرنامه، ترجمه ابو تراب نوری، اصفهان: کتابخانه سنایی.
- تنوی، احمد؛ قزوینی، آصف‌خان (۱۳۷۸)، تاریخ الفی، به کوشش سید علی آل داود، تهران: فکر روز.
- جزایری شوشتری، سید عبدالله (۱۳۸۸)، تذکره شوشتر، تصحیح مهدی کدخدای طراحی، اهواز: ترأوا.
- چارشیلی، اوزون؛ حقی، اسماعیل (۱۳۸۰)، تاریخ عثمانی، مترجم وهاب ولی تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- چلونگر، محمدعلی، کشاورز، زهرا سادات (۱۴۰۰)، «بررسی نقش ابزارهای سیاست خارجی صفویان در فرآیند تمدنی دولت صفویه با تأکید بر ابزار دیپلماسی»، سیاست، دوره ۵۱، شماره ۲، صص ۴۳۴-۴۰۹.
- دریغوس، هیوبرت؛ و رابینو، پل (۱۳۷۸)، میشل فوکو: فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک با مؤخره‌ای به قلم میشل فوکو، ترجمه حسین بشریه، تهران: نی.
- دل‌واله، پیترو (۱۳۷۰)، سفرنامه، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- رورتی، ریچارد (۱۳۸۴)، فلسفه و امید اجتماعی، ترجمه نگار نادری و عبدالحسین آذرنگ، تهران: نی.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷)، احسن‌التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- ریمون، آرون (۱۳۷۷)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
- سانسون، مارتین (۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)، ترجمه تقی تفضلی، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- سیوری، راجر (۱۳۷۴)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۳۶)، دایره المعارف تمدن ایران: سیاحت‌نامه، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۴۵)، سفرنامه، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۵)، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: طوس.
- شاو، استنفورد جی (۱۳۷۰)، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شاه‌تهماسب (۱۳۴۳ ق)، تذکره شاه‌تهماسب، به کوشش عبدالشکور، برلن: چاپخانه کاویانی.
- شرلی، آنتونی (۱۳۶۲)، سفرنامه برادران شرلی، به کوشش علی دهباشی، ترجمه آوانس، تهران: نگاه.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳)، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نی.

شوستر والسر، سببیل (۱۳۶۴)، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان، ترجمه غلامرضا وره‌رام، تهران: امیرکبیر.

طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۹)، تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران، تهران: کتاب‌های جیبی.
فروند، ژولین (۱۳۶۸)، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، تهران: رایزن.
فلور، ویلم (۱۳۹۴)، تاریخچه مالی و مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجار، ترجمه مرتضی کاظمی، تهران: تاریخ ایران.

فوران، جان (۱۳۸۸)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران: از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.

فومنی گیلانی، عبدالفتاح (۱۳۹۰)، تاریخ گیلان، تهران: فرهنگ ایلیا.
قمی، احمد بن شرف‌الدین (۱۳۸۳)، خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
کارری، جووانی فرانچسکو جملی (۱۳۴۸)، سفرنامه، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۱)، طرح پژوهش رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: جهاد دانشگاهی.

- کشاورز، زهرا سادات؛ طاهری کل‌کشوندی، مسلم (۱۴۰۴)، «کنش‌مندی زنان خانواده در تعاطی با پیشران‌های حکمرانی در عصر صفویه»، انسان‌شناسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۲۹-۴۶.

- کشاورز، زهرا سادات؛ طاهری کل‌کشوندی، مسلم (۱۴۰۴)، «کنش‌مندی نهاد خانواده در تناظر با پیشران‌های حکمرانی در تاریخ شیعی صفویه با تأکید بر نقش زنان»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۴۰۱-۴۲۲.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
کوئن، بروس (۱۳۷۲)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.
میچل، کالین‌پل (۱۳۹۷)، سیاست‌ورزی در عصر صفوی، ترجمه حسن افشار، تهران: فرهنگ جاوید.
میرزا سمیعا، محمد سمیع (۱۳۷۸)، تذکره‌الملوک، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تعلیقات استاد مینورسکی، تهران: امیرکبیر.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۶۸)، سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر.

ناشناخته، عالم‌آرای شاه اسماعیل (۱۳۸۴)، به تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران: علمی و فرهنگی.
نوابی، عبدالحسین (۱۳۵۰)، شاه‌تیماسب صفوی (اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

(۱۳۶۰)، شاه اسماعیل صفوی (اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

نیومن، اندرو (۱۳۹۲)، ایران عصر صفوی، ترجمه بهزاد کریمی، تهران: نقد افکار.
ولش، آنتونی (۱۳۸۹)، نگارگری و حامیان صفوی، ترجمه روح‌الله رجبی، تهران: موسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۴)، تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی (۱۵۰۰-۱۹۴۵)، تهران: امیرکبیر.

یانگ، جفری (۱۳۸۳)، شناخت درمانی اختلالات شخصیت: رویکرد طرحواره محور، ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور، تهران: ارجمند.

A Chronicle of the Carmelites in persia and Papal Mission of the XVIIth and XVIIIth centuries, 2Vols. (1939), London. Eyre and Spottiswoode.

Ferrier, R. W.)1998), "Women in Safavid Iran: The Evidence of European Travelers", inG. R. Hambly (Ed.) Women in the Medieval Islamic World: Power Patronage and Piety, New York: St. Martin's Press.

Floor, Willem and Clawson.)2000). Patrick, "Safavid Iran Search For Silver and Gold", International Journal of Middle East studies, 32(3), Pp: 345-368.

Floor, Willem.)2006). The Persian Gulf (A political and Economic History of five port cities 1500-1730), Mage, USA.

Floor, willem.)2000), the econome of safavid Persia, Wiesbaden, Reichert

Fukuyama, F.)2013), "What is governance?". Governance, 26(3), Pp: 347-368.

Hernan, Enrique Garcia. (2012), "The Holy See. The Spanish Monarchy and Safavid Persia in the Sixteenth Century; Some Aspects of the Involvement of the Society of Jesus", in; Iran And The World In The Safavid Age, Edited Willem Floor and Edmund Herzig, London. NewYork: I.B. TAURIS.

Kaufmann, Danial.)2010), "The World Wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues", The World Bank Development Research Group Macro economics and Growth Team September.

Rorty. Richard.)1998), contingency, irony, and solidarity, Cambridge university press.

Sapru, R. K.)2006), Administration Theories and Management Thought, Delhi, Pubihshed by Prentice Hall of India

Strauss, A. and Corbin, J.)1990), Basic of Qualitative Research, Newbury Park, CA: Sage.